روزنامه شرق

علم

نیندیشیدن خطرناک‌تر است — صفحه ۱۰

تاریخ در یک مسیر مستقیم پیش نمی‌رود — صفحه ۱۱

خشونت در خاورمیانه ریشه مذهبی ندارد — صفحه ۱۲

حمله ناپخته اکونومیست به نظام ثبت اختراع

آیا نوآوری را باید در بند نگه داشت؟

سیدکامران باقری*

مجله اکونومیست در یکی از شماره‌های اخیر خود (هشت آگوست ۲۰۱۵)، حمله کم‌سابقه‌ای را علیه نظام ثبت اختراع به راه انداخت. روی جلد این شماره مجله اکونومیست، تصویری بزرگ با این مضمون آمده بود که باید نوآوری را از (بند نظام ثبت اختراع) آزاد کرد! سرمقاله و مقاله دیگری در بخش بین‌الملل نیز به این امر اختصاص یافته بود. برخلاف رویه معمول در انتقاد از نظام ثبت اختراع (که منتقدان با اشاره به کاستی‌های این نظام، اصلاح آن را خواستار می‌شوند)، در این نوشته‌ها، به نوعی برچیدن کامل نظام ثبت اختراع به عنوان یک گزینه مطرح شده بود. البته چون نویسنده به تبعات طرح این گزینه بنیادی آگاه بود، سعی کرد در عنوان و جمع‌بندی نوشته‌ها خود را سانسور کند و آشکارا از این گزینه نام نبرد. اما در هر دو نوشته، این گزینه مورد توجه جدی بود. این اقدام اکونومیست، در همین مدت کمی که از انتشار آن می‌گذرد، توجهات زیادی را به خود جلب کرد، به گونه‌ای که بسیاری از صاحب‌نظران آن را اقدامی خام توصیف کردند. حتی برخی خواهان توضیح و عذرخواهی آن هفته‌نامه شده‌اند. مهم‌ترین استدلال‌های اکونومیست در حمله به نظام ثبت اختراع را می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱- گمان می‌رفت که وجود نظام مستحکم ثبت اختراع به افزایش نوآوری می‌انجامد، اما چنین نشده است. اگر به نمایشگاه‌های اختراعات امروزی بروید، نسبت به زمانی که نظام ثبت اختراع نبوده، کم‌مایه‌ترند!

۲- نظام ثبت اختراع قرار بوده به انتشار دانش فناوری بینجامد، اما چون وکلای ثبت اختراع با مهارت همه اطلاعات را رو نمی‌کنند، چنین نشده است!

۳- ثبت اختراع به درد کسانی که سرمایه اندکی دارند، نمی‌خورد.

۴- نهضت نرم‌افزاری کد باز، نشان داد که نوآوری بدون ثبت اختراع هم رشد می‌کند. یا اینکه به اشتراک‌گذاری آزاد و غیرانحصاری فناوری باعث شکوفایی نوآوری می‌شود.

۵- بیش از نیمی از اختراعات ثبت‌شده، هیچ‌گاه در عمل به کار گرفته نمی‌شوند!

۶- نظام ثبت اختراع گران‌قیمت است و همین امر بر هزینه محصولات تمام‌شده افزوده است.

۷- فشار سازمان‌های بین‌المللی، اقتصادهای نوظهور (مثل چین) را به پذیرش نظام ثبت اختراع مجبور کرده است.

۸- کیفیت اختراعات ثبت‌شده (همچون اختراع تبلت مستطیل با گوشه‌های منحنی به نام شرکت اپل) اغلب نامناسب است. بسیاری از اختراعات مهم تاریخ (مثل موتور بخار) بدون نیاز به ثبت اختراع شکل گرفته‌اند.

۹- در جمله انتهایی سرمقاله این مجله هم چنین آمده بود: «نظام ثبت اختراع به اسم پیشرفت به پا شده، اما خودش به مانعی بر سر راه نوآوری تبدیل شده است».

این حمله اکونومیست، بهت و شگفتی صاحب‌نظران حوزه مالکیت فکری را در پی داشت. برخی با دیدن عنوان سرمقاله گمان کردند که احتمالا این مجله به نتایج پژوهشی جدیدی دست یافته که برای نخستین‌بار بسیاری از شک و تردیدهای قدیمی را برطرف می‌کند و کاستی‌های غیرقابل اصلاح نظام ثبت اختراع را به صورت علمی اثبات می‌کند؛ زیرا استدلال‌های بالا هیچ‌کدام جدید نبوده و نیستند و بیشتر آنها قدمتی به طول تاریخ چندصدساله نظام ثبت اختراع دارند. به عبارت دیگر همواره پژوهشگران علوم اقتصادی، مدیریتی و حقوقی، با پرداختن به زوایای مختلف و پیچیده نظام ثبت اختراع، شواهدی در رد یا پذیرش استدلال‌های فوق ارائه کرده‌اند. هر دو گروه موافق و مخالف هم برای ادله خود شواهد علمی داشته‌اند. در عین حال، صاحب‌نظران با توجه به پیچیدگی‌های این نظام، همواره در نتیجه‌گیری احتیاط کرده‌اند و ضمن اشاره به کاستی‌ها، به منافع آن هم استناد می‌کنند. در طول چند صد سال اخیر، از دل این مجادله علمی، نکاتی مفید برای بهبود نظام ثبت اختراع به دست آمده و این نظام به‌تدریج صیقل خورد و ارتقا یافته است. اما زمانی که صاحب‌نظران دیدند این حمله قاطع برای زیر سؤال‌بردن نظام ثبت اختراع، بر پایه پژوهش‌های جدید و محکم استوار نیست، بهت‌زده شدند. این نوشته اکونومیست عمدتا به نتایج یک پروژه پژوهشی که در سال۲۰۰۸ انجام شده بود، اشاره کرد و بر پایه همان یک پژوهش خواستار برچیده شدن نظام ثبت اختراع می‌شود. این در حالی است که صدها پژوهش معتبرتر در همین سال‌ها به نتایج متفاوتی رسیده‌اند که اکونومیست اساسا به آنها اشاره نمی‌کند؛ این کم‌مایگی از مجله‌ای همچون اکونومیست انتظار نمی‌رفت. اما اجازه دهید در ادامه نگاهی دقیق‌تر به تک‌تک استدلال‌های اکونومیست بیندازیم:

۱- نویسنده در کل مقاله تنها به دو کارکرد مورد انتظار از نظام ثبت اختراع (تشویق نوآوری و انتشار اطلاعات اختراع)، استناد می‌کند و در همان دو مورد هم نتیجه اشتباه می‌گیرد. پژوهش‌های فراوانی بر تاثیر مثبت نظام مالکیت فکری به صورت عام و نظام ثبت اختراع به صورت خاص، بر نوآوری صحه گذاشته‌اند که نویسنده با اشاره به شواهد غیرعلمی (مثل بازدید از نمایشگاه اختراعات و مقایسه ذهنی آن با اختراعات چند سده یا دهه قبل)، به سادگی از کنار آنها می‌گذرد. برای نمونه گزارش سالانه شاخص نوآوری جهانی توسط چند سازمان بین‌المللی معتبر محاسبه و منتشر می‌شود. در این گزارش عملکرد ۱۴۳ کشور جهان در حوزه نوآوری، بر اساس ۸۱ شاخص بررسی و مقایسه می‌شود. کشورهایی که هر سال در صدر فهرست نوآورترین کشورها می‌نشینند، همان‌هایی هستند که بهترین نظام‌های ثبت اختراع را دارند. در آخر این فهرست هم کشورهایی هستند که یا نظام ثبت اختراع ندارند یا این نظام ثبت اختراع آنها عملکرد مورد انتظار را نداشته است.

۲- در مورد کارکرد انتشار اطلاعات اختراعات هم نویسنده از مقدمات صحیح به نتیجه اشتباهی می‌رسد. این درست است که گاهی کارگزاران کارکشته ثبت اختراع می‌توانند با ترفندهای ویژه، بخشی از اطلاعات کلیدی یک اختراع را افشا نکنند و حق اختراع را برای موکل خود بگیرند (یعنی نظام ثبت اختراع را تا حدی فریب دهند.) اما افرادی که نظام ثبت اختراع را خوب می‌شناسند، می‌دانند که این پدیده تنها درصد محدودی از اختراعات را پنهان نگه می‌دارد و همچنان بخش اعظمی از اطلاعات اختراعات فقط به واسطه وجود نظام ثبت اختراع منتشر می‌شوند. اداره ثبت اختراع و علامت تجاری آمریکا اعلام کرد ۸۰درصد از اطلاعات فناوری منتشرشده در اسناد ثبت اختراع، از هیچ منبع دیگری قابل دسترس نیستند. این یعنی که نظام ثبت اختراع در حوزه انتشار اطلاعات اختراع برای عموم، کارنامه درخشانی دارد، هرچند انتقاداتی هم بر آن وارد است و جای بهبود دارد.

۳- نظام ثبت اختراع دو کارکرد مهم دیگر دارد که برای کسب‌وکارهای دانشی امروزی کلیدی هستند. یکی از این کارکردها، ارسال پیام است؛ به این معنا که برای مثال شرکتی با ثبت اختراع می‌خواهد به سرمایه‌گذاران و شرکت‌های بزرگ پیام بفرستد که آن شرکت در حوزه فنی مورد نظر نوآور و توانمند است و آنها می‌توانند روی توانمندی‌های این شرکت حساب کرده و در آن سرمایه‌گذاری کنند. نویسنده وقتی در استدلال خود به عدم نفع نظام ثبت اختراع برای افراد و شرکت‌های بدون سرمایه اشاره می‌کند، نشان می‌دهد که با این کارکرد نظام ثبت اختراع آشنا نیست. این در حالی است که پژوهش‌های فراوان نشان از نقش کلیدی اختراع ثبت‌شده در تصمیم افراد برای سرمایه‌گذاری و صندوق‌های سرمایه‌گذاری جسورانه در فناوری‌ها یا شرکت‌های نوپا دارد. برای مثال، پیمایشی که توسط پژوهشگران دانشگاه برکلی انجام شده است، نشان داد اگر شرکت نوپایی دارای اختراع ثبت‌شده باشد، شانسش در جذب سرمایه (به‌ویژه از سرمایه‌گذاران جسور حوزه فناوری)، به مراتب بیشتر خواهد بود.

۴- کارکرد چهارم نظام ثبت اختراع هم بازارسازی در حوزه فناوری است که اصطلاحا به آن بازار ثانویه (بعد از بازار اصلی محصولات و خدمات)، می‌گویند. اگر ثبت اختراع نباشد، بسیاری از مخترعان حاضر نمی‌شوند اختراع خود را در برابر مشتریان و کاربران بالقوه افشا کنند؛ زیرا

نظام ثبت اختراع به هیچ وجه خالی از عیب نیست، اما تجربه چند صدساله وجود این نظام و موج فزاینده نوآوری‌ها در کشورهایی که این نظام در آنها به‌خوبی عمل کرده، بسیاری از صاحب‌نظران را قانع کرده که بودن آن بسیار بهتر از نبودنش است. بنابراین بیشتر پژوهش‌ها و نتایج آنها معطوف به اقدامات اصلاحی برای بهبود عملکرد آن است

وقتی اطلاعات اختراع را در اختیار دیگران بگذارند (به‌ویژه اگر امکانات آنها برای تولید آن هم بیشتر باشد)، گویی آنها را در مالکیت کار خود سهیم کرده‌اند. در این حالت، بسیاری از همکاری‌های فنی و شبکه‌های نوآوری که از ویژگی‌های بارز نوآوری در قرن ۲۱ هستند، اساسا امکان شکل‌گیری نخواهند داشت. در پارادایم نوآوری باز که بر پایه همکاری‌های نوآورانه بنا شده، حقوق ثبت اختراع نقش واحد پول رایج را بازی می‌کند و بدون آن، در بسیاری موارد هیچ همکاری‌ای اتفاق نمی‌افتد. این همکاری‌ها (به‌ویژه در مرحله شکل‌گیری) به عنصر اعتماد و برخی قواعد حاکم نیاز دارد که حقوق ثبت اختراعات و مدیریت مناسب آنها در این حوزه گره‌گشاست. بنابراین نویسنده به اشتباه نهضت کد باز در نرم‌افزار را معادل کل پارادایم نوآوری باز گرفته و از عدم نیاز به حقوق ثبت اختراع در شبکه‌های نوآوری دم می‌زند.

۵- نویسنده انتقاد کرده که بسیاری از اختراعات هیچ‌گاه برای تولید محصول یا خدمتی به کار گرفته نمی‌شود و این را به حساب ناکارآمدی نظام ثبت اختراع گذاشته است! این را هم باید به پای دانش محدود نویسنده از دنیای پیچیده مالکیت فکری و ثبت اختراع گذاشت. حق ثبت اختراع از نوع حقوق سلبی است تا ایجابی؛ یعنی کسی که اختراعی را ثبت می‌کند، به دنبال منع استفاده تجاری دیگران از آن اختراع است، مگر آنکه خودش به دلایلی (ازجمله کسب درآمد) چنین اجازه‌ای را به دیگران بدهد. بر همین اساس بسیاری از شرکت‌ها در بازار رقابتی، اختراعاتی را ثبت می‌کنند که مانع استفاده رقبا از آنها شوند. برای مثال، شرکتی که فرایندی جدید برای ساخت یک محصول را اختراع کرده است، شاید روش‌های جایگزین را هم به نام خودش ثبت کند تا رقبا، اختراعش را دور نزنند. از سوی دیگر، استفاده عملی از بسیاری از اختراعات، اقتصادی نیست. بنابراین، حتی از اختراعاتی که ساخته نشده هم استفاده تجاری می‌شود. از سوی دیگر، نباید فراموش کرد که اقتصادی‌بودن اختراع از شرایط ثبت آن نیست. بنابراین به دلایل مختلف ممکن است تولید اختراعی تا سال‌ها پس از ثبت آن (یا شاید هم برای همیشه) اقتصادی نباشد؛ مثلا ممکن است فناوری‌های دیگر که برای تولید اقتصادی آن لازم‌اند، هنوز به‌خوبی توسعه نیافته باشند. بنابراین کسی نباید انتظار داشته باشد که همه اختراعات (یا حتی بیشتر آنها) در دل محصولات و خدمات به کار گرفته شوند.

۶- نویسنده از هزینه بالای نظام ثبت اختراع انتقاد کرده و با سادگی تمام محاسبه کرده که اگر هزینه ثبت اختراع را از صنعت داروسازی حذف کنیم، قیمت داروها برای عموم مردم، بسیار ارزان‌تر تمام می‌شود! نویسنده دقت نکرده که هزینه پژوهش و توسعه در تمام صنایع و به‌ویژه صنعت داروسازی، به‌شدت افزایش یافته است. برای نمونه آمارها نشان می‌دهند که در همین صنعت داروسازی، هزینه توسعه یک داروی جدید (شامل هزینه پژوهش داروهای ناموفق که نتوانستند مجوز اداره غذا و داروی آمریکا را کسب کنند)، از ۱۴۰میلیون دلار در دهه ۷۰ میلادی به بیش از ۱،۲میلیارد دلار رسیده است. بدون وجود نظام ثبت اختراع، هیچ عقل سلیمی بیش از یک میلیارد دلار برای توسعه یک داروی جدید از مرحله ایده تا ورود به بازار سرمایه‌گذاری نخواهد کرد. الان به لطف وجود انحصار چندساله ثبت اختراع (که برای داروها کمتر از ۲۰ سال است، چون که معمولا توسعه دارو و اخذ مجوزها، چند سال طول می‌کشد)، برخی شرکت‌های دارویی حاضر می‌شوند چنین ریسک بزرگی را تقبل کنند. بدون ثبت اختراع، با شرایط موجود، داروی جدیدی در کار نخواهد بود. در صنایع دیگر هم فناوری‌ها به مرور پیچیده‌تر و درهم‌تنیده شده‌اند و هزینه پژوهش و توسعه آنها افزایش یافته و همین منطق تا حد زیادی در مورد آنها هم حاکم است.

۷- نویسنده گفته که اقتصادهای نوظهور همگی تحت فشار کشورهای پیشرفته، زیر بار نظام ثبت اختراع رفته‌اند و در تأیید حرف خود، چین را مثال زده است. وی دقت نکرده که چین بنا دارد در برنامه‌ای ۱۵ساله تا سال۲۰۲۰ به کشوری نوآور تبدیل شود. سیاست‌هایی که دولت چین برای تحقق اهداف این برنامه تدوین و پیاده کرده است، از موضوع پرکردن شکاف فناوری با کشورهای پیشرفته فراتر رفته و آنها پیشتازی جهانی در علم و فناوری را دنبال می‌کنند. در برنامه ۲۰۲۰ چین، بر اهمیت کلیدی نظام مستحکم ثبت اختراع به‌عنوان پیش‌شرط تحقق اهداف نوآوری ملی تأکید شده و در پی آن راهبرد ملی ثبت اختراع چین ابلاغ شده و در حال پیاده‌سازی است. بنابراین چین با هدف تبدیل‌شدن به کشوری نوآور و پیشتاز در علم و فناوری، برنامه‌ای درون‌زا و دقیق برای تقویت نظام ثبت اختراع دارد. همین وضع کم‌وبیش در دیگر اقتصادهای نوظهور هم حاکم است. اما نویسنده مقاله هنوز چین را در همان قامت بزرگ‌ترین کشور کپی‌کار جهان می‌بیند و از تحولات چند سال اخیر چین چشم‌پوشی کرده است. برای مثال چین دو سال است که به کشور نخست جهان از نظر تعداد ثبت اختراع تبدیل شده و از آمریکا پیشی گرفته است.

۸- نویسنده مقاله تفاوت ثبت طرح صنعتی (که در آمریکا به آن دیزاین پتنت می‌گویند) با ثبت اختراع (که در آمریکا به آن یوتیلیتی پتنت اطلاق می‌شود) را نمی‌داند و در مثال‌های خود از مثال‌های طرح صنعتی (همچون مثال شکل تبلت شرکت اپل) برای نشان دادن کیفیت پایین اختراعات امروزی استفاده کرده است یا وقتی که به پیشرفت برخی صنایع و فناوری‌ها (همچون موتور بخار) بدون نیاز به حقوق ثبت اختراع اشاره می‌کند، دچار اشتباهی بزرگ می‌شود زیرا از قضا موتور بخار در شمار فناوری‌هایی است که از همان ابتدای شکل‌گیری تا به امروز، اختراعات بسیار زیادی در مورد آن ثبت شده و می‌شود!

البته گفته‌های بالا به‌هیچ‌وجه به معنای بی‌عیب‌بودن نظام ثبت اختراع نیست. اما تجربه چند صدساله وجود این نظام و موج فزاینده نوآوری‌ها در کشورهایی که این نظام در آنها به‌خوبی عمل کرده، بسیاری از صاحب‌نظران را قانع کرده که بودن آن بسیار بهتر از نبودنش است. بنابراین بیشتر پژوهش‌ها و نتایج آنها معطوف به اقدامات اصلاحی برای بهبود عملکرد آن است. اینکه نویسنده سرمقاله اکونومیست با استناد به همین استدلال‌های کم‌مایه، برچیده‌شدن نظام ثبت اختراع را به‌عنوان یک گزینه مطرح کرده است، برای بسیاری مایه شگفتی است. من با خواندن این شماره اکونومیست با خود فکر کردم که انگیزه طرح چنین موضوعی چه می‌تواند باشد. در جایی از مقاله اشاره شده بود که بنیان‌گذار مجله اکونومیست خودش از مدافعان سرسخت ازبین‌رفتن نظام ثبت اختراع بوده که سرمقاله دومین شماره مجله در سال ۱۸۵۱ را هم به تشریح استدلال‌های خود در این باره اختصاص داده است. با خود فکر کردم شاید این مجله با این حمله، تنها می‌خواسته بر ادامه پیروی از خط فکری بنیان‌گذارانش تأکید کند!

* مشاور مدیریت نوآوری و مالکیت فکری

زاویه‌باز

درباره اختراع و فواید ثبت آن

چتری بر سر نوآوران

علی فطرتی

یکی از مهم‌ترین گام‌هایی که پس از هر اختراعی باید برداشت، ثبت اختراع است. هرچند در برخی از موارد، افراد یا شرکت‌ها پس از اختراع، یا از ثبت اختراع به نام خود، صرف‌نظر کرده یا با ثبت اختراع به نام خود، فقط خواستار حقوق معنوی آن شده و از حقوق مادی انحصاری برای خود صرف‌نظر کردند؛ برای مثال شرکت فیلیپس، پس از اختراع نوارهای کاست، به رایگان به شرکت‌های دیگر اجازه داد تا نوارهای کاست تولید کنند. همین موضوع موجب شد نوارهای کاست به‌سرعت مقبولیت پیدا کنند و به‌عنوان یک فرم جدید رسانه‌ای پذیرفته شوند. نوارهای کاست کم‌کم فروش جهانی حیرت‌انگیزی پیدا کردند، به‌گونه‌ای که در اواسط دهه ۱۹۸۰ سالانه ۹۰۰ میلیون عدد از آنها در جهان به فروش می‌رفت. این نوارهای کوچک، در آن زمان ۵۴ درصد از کل فروش جهانی موسیقی را به خود اختصاص دادند. اما به‌راستی اختراع چیست؟ در سایت مرکز مالکیت معنوی در تعریف اختراع آمده است: به‌طورکلی اختراع به‌معنی ارائه راه‌حل جدید و نوآورانه برای حل یک مشکل فنی است. این راه‌حل ممکن است به ایجاد وسیله، دستگاه، محصول دارو یا فرایند صنعتی کاملا جدید مربوط باشد، یا ممکن است فقط بهبود جزئی محصول یا فرایند شناخته‌شده‌ای باشد.

مزایای ثبت اختراع

اصلا چرا کسی باید اختراعش را ثبت کند؟ ثبت اختراع چه مزایایی دارد؟ در پاسخ باید گفت اختراع، حاصل و ثمره تلاش فکری و تراوش ذهنی مخترع است که در قالب یک محصول صنعتی یا فرایند صنعتی عرضه می‌شود. اما قوانین کشورهای مختلف، زمانی از اختراع حمایت می‌کنند که این اختراعات طبق تشریفات جاری آن کشور در موعد و زمان مقرر به ثبت رسیده باشد. شرط استفاده از این حق، ثبت آن اختراع نزد مرجع ذی‌صلاح (اداره ثبت اختراعات) است. پس از ثبت یک اختراع و اعطای حق اختراع به مالک و مخترع، قانون به دو شکل از اختراع و مخترع حمایت می‌کند: ۱- حمایت ایجابی، یعنی اینکه به دارنده حق می‌دهد که از خلاقیت و تلاش ذهنی خود بهره ببرد و ۲- حمایت سلبی، یعنی دیگران را مکلف می‌کند که به حقوق حاصل از آفرینش‌های فکری احترام بگذارند و مانع از هرگونه نقض حق و حقوق مخترع شود؛ یعنی هیچ‌کس نمی‌تواند بدون اجازه مالک این اختراع، از مزایای آن بهره‌برداری کند. به بیان دیگر، هر مخترع با ثبت اختراع خود، حق انحصاری ساخت و تولید، صادرات و واردات، عرضه، فروش و استفاده از فراورده و کالاهای مرتبط با اختراع خود را کسب می‌کند. علاوه بر این ثبت اختراعات در دنیای رقابت و کسب‌وکار مزایای دیگری نیز دارد ازجمله: کسب موقعیت قدرتمند و امتیازهای رقابتی در بازار، کسب سود بیشتر یا بازگشت بیشتر سرمایه از طریق نظام انحصار، درآمد مضاعف از محل تفویض اجازه بهره‌برداری و انتقال اختراع، کسب وجهه برای شرکت یا بنگاه صاحب اختراع و ... .

زاویه‌دید

موافقان و مخالفان نظام ثبت اختراع

نقدهای یک نظام حقوقی

محمود صادقی*

حقوق مالکیت فکری (شامل مواردی مثل کپی‌رایت، تردید مارک و پتنت) از گذشته منتقدانی داشته است. در مورد حق اختراع به اختصار می‌توان گفت حق اختراع یعنی حق بهره‌برداری انحصاری از دستاوردهای مادی و معنوی یک اختراع. به بیان دیگر، قانون این حق را برای مخترع به‌رسمیت می‌شناسد که به مدت محدود (معمولا ۲۰ سال)، از اختراع خود بهره‌برداری اقتصادی کند، البته شرط اینکه مخترع بتواند از مزایای این قانون بهره‌مند شود، این است که اختراع خود را ثبت کند. نظریه‌پردازان و حقوق‌دانان برای توجیه چنین حقی، دلایلی را مطرح کرده‌اند که ازجمله آنها می‌توان به طرفداران حقوق طبیعی و طرفداران فایده‌گرایی اشاره کرد.

در نظریه حقوق طبیعی گفته می‌شود طبیعی است هر فردی از نتیجه تلاش‌های خود بهره‌مند شود و قانون‌گذار هم باید از این حق مانند همه حقوق دیگر افراد جامعه حمایت کند. طرفداران نظریه فایده‌گرایی نیز بر این باورند که اگر از مخترع حمایت کنیم، فواید و منافع گوناگونی برای جامعه دارد، زیرا باعث تشویق مخترعان می‌شود تا در زمینه نوآوری بیشتر فعالیت کنند. از طرف دیگر، تئوری دیگری می‌گوید دولت به نمایندگی از جامعه با مخترعان معامله می‌کند و حق بهره‌برداری از نتایج اختراع را به‌مدت محدودی در اختیار مخترع قرار می‌دهد و از طرف دیگر، مخترع را ملزم می‌کند اختراع خود را توصیف و برای جامعه افشا کند. در قانون نیز آمده است این اختراع را باید به‌نحوی توصیف کرد که هر فردی که مهارت معمولی در آن زمینه خاص دارد، با خواندن توصیف اختراع، بتواند آن را اجرا کند. این فرایند، فواید بسیار دارد ازجمله اینکه دانش را از حالت رازگونگی خارج می‌کند و نتیجه پژوهش‌ها و دستاوردهای جدید در اختیار عموم قرار می‌گیرد. فایده این کار این است که هرچند فواید مادی اختراع نصیب مخترع می‌شود، اما دیگر مخترعان و مبتکران می‌توانند به بررسی در زمینه این اختراع بپردازند و آن اختراع را تکمیل کنند و قدم‌های بعدی را بردارند. به بیان دیگر، هر اختراعی الهام‌بخش اختراع دیگر می‌شود و چرخه دانش به حرکت دائمی خود ادامه می‌دهد. پس بسیاری از کارشناسان بر این باورند که نظام ثبت اختراع، باعث عمومی‌شدن و گسترش دانش و فناوری می‌شود. بااین‌همه، انتقادهایی هم به نظام ثبت اختراع وجود دارد، ازجمله اینکه ممکن است کسی از این حق خود سوءاستفاده کند. در این زمینه باید گفت در موارد دیگر هم ممکن است صاحبان حق از حقوق خود سوءاستفاده کنند. در همه نظام‌های حقوقی برای پیشگیری از این سوءاستفاده‌ها، قوانینی وضع می‌شود. به‌همین‌دلیل با توجه به فواید ثبت اختراع، روندی در پیش گرفته می‌شود که ضمن حمایت از اختراع و مخترع، از بروز زمینه‌های سوءاستفاده جلوگیری شود، به بیان دیگر، حمایت از مخترعان به شکل متوازن صورت می‌گیرد. چندین راه برای ایجاد این توازن وجود دارد؛ اول اینکه این حقوق محدودیت زمانی دارند یعنی دائمی نیستند. محدودیت دیگر، محدودیت مکانی است، به بیان دیگر، این‌گونه نیست از یک اختراع، در همه‌جای جهان حمایت شود، بلکه اگر مخترع می‌خواهد از اختراعش در یک کشور خاص حمایت شود، باید اختراعش را در آن کشور ثبت کند. به بیان دیگر، اگر مخترعی، اختراعش را در آمریکا ثبت کند، در ایران حقی برایش ایجاد نمی‌شود. پس برخلاف تصور برخی افراد، ما مفهومی به نام ثبت جهانی نداریم.

محدودیت دیگر هم این است که هر مخترعی باید تا مدت‌زمان محدود و مشخصی، از اختراعش بهره‌برداری کند در غیراین‌صورت حق انحصاری مخترع، به پایان می‌رسد. در کشور ما نیز قانون ثبت اختراع در سال۱۳۱۰ تصویب شده است. در قانون قدیم ذکر شده بود اگر مخترعی در مدت پنج سال پس از ثبت، بهره‌برداری از آن را آغاز نکند، هرکسی می‌تواند تقاضای ابطال آن را داشته باشد. دلیل این موضوع هم پیشگیری از سوءاستفاده است.

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد، این است برای اینکه ما اختراعی را ثبت کنیم، باید سه شرط داشته باشد؛ اول اینکه جدید باشد، دوم اینکه گام ابتکاری در آن باشد و سوم اینکه قابلیت کاربرد داشته باشد. به بیان دیگر، ایده‌های انتزاعی، قابلیت ثبت به‌عنوان اختراع را ندارند. البته ادارات ثبت اختراع کشورهای مختلف، راهکار متفاوتی برای بررسی این موضوع دارند. نکته بسیار مهم دیگر ارزیابی از کیفیت ایده‌های عرضه‌شده برای ثبت به‌عنوان یک اختراع جدید است. قانون سال۱۳۱۰ کشور ما براساس قوانین کشور فرانسه در آن زمان تدوین شده بود که شیوه ارزیابی از نوع «اعلامی» است یعنی برای اینکه اختراعی ثبت شود، لزوما نباید مورد بررسی قرار گیرد، بلکه اختراعات را بر پایه ادعاهای مخترع آن ثبت می‌کنند اما اگر بعدها مورد اعتراض واقع شد، ابطال می‌شود. در نظام دیگر، ایده ارائه‌شده برای ثبت به‌عنوان اختراع را مورد آزمایش قرار می‌دهند که کشورهایی مانند آلمان و آمریکا به این ترتیب عمل می‌کنند. در این روش آن سه ویژگی که برای اختراع برشمردیم، بررسی می‌شود و اگر اختراعی همه این ویژگی‌ها را داشت، ثبت می‌شود. نظام ثبت اختراع در کشور ما تا سال۸۶ نظام اعلامی بود، اما از سال ۸۶ به بعد تغییر کرد و هم‌اکنون برای ثبت یک اختراع باید بررسی ماهوی در مورد ادعاهای اختراع صورت گیرد و پس از اثبات اینکه عملی و کاربردی است، ثبت می‌شود.

* مؤسس و نایب‌رئیس انجمن مالکیت فکری
مدیرگروه حقوق مالکیت فکری دانشگاه تربیت‌مدرس